



RS

غیبت اسرائیل در سفر ترامپ به منطقه

سفر اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به‌خاطر نمایشی از تجمع حساب‌شده و سیگنال‌های دیپلماتیک بود که اهمیت سفر به پادشاهی‌های حاشیه خلیج فارس را بر جسته می‌کند. جت‌های جنگنده، هواپیمای ایبر فورس وان را تا حریح هوایی عربستان سعودی، قطر و امارات همراهی کردند و پس از فرود، میزبانان رئیس‌جمهور نمایش‌های باشکوهی از مهمان‌نوازی را به نمایش گذاشتند: قص شمشیر سنتی، اسب‌های عربی و سلام‌های نظامی در خشنان. با این حال، در میان این هیاهوی دقیق و حساب‌شده، اسرائیل، که مدت‌هاست شریک کلان‌اثراتیک اصلی ایالات متحده اعلام شده است، به‌طور آشکاری در برنامه سفر غایب بود. تصمیم به دور زدن اسرائیل، به‌ویژه در زمانی که تنش‌های منطقه‌ای زیادی در نتیجه درگیری غزه وجود دارد، یکی از اصول کلی رویکرد ترامپ به سیاست‌مداری را آشکار می‌کند: پیگیری بی‌وقفه «پیروزی‌های» جذاب و نتایج قابل دستیابی که می‌توانند به سرعت برای مصرف سیاسی استفاده شوند. بنابراین غزه، گره کوری از نارضایتی‌های تاریخی و واقعیت‌های تلخ معاصر، چنین ثمره آسانی ارائه نمی‌دهد. ترامپ در سخنرانی خود در دوحه در ۱۵ مه، حمله ۷۰ کتیر حماس را به عنوان «یکی از بدترین و فاجعه‌ترین حملاتی که تاکنون دیده شده است» محکوم کرد. با این حال، در این سخنان قاطع از قطر، به عنوان میانیجی کلیدی در این درگیری، یاد شده تا تل آویو. با توجه به اینکه مذاکرات آتش‌بس بین اسرائیل و حماس بارها به بن‌بست رسیده است، چشم‌انداز دستیابی برای به یک پیشرفت، به‌طور فزاینده‌ای دور از دسترس است. برای رئیس‌جمهوری که به تصویر یک معامله‌گر علاقه‌مند است، سفر به اسرائیل در شرایط فعلی تنها خطر بر جسته کردن ناتوانی را به همراه دارد. در مقابل، کشورهای حوزه خلیج فارس زمینه بسیار مساعدتری برای موفقیت ارائه دادند. کشورهایی مانند عربستان سعودی، قطر و عمان با صندوق‌های مستقل شننه سرمایه‌گذاری و افزایش جسارت در دیپلماسی منطقه‌ای، خود را به شرکای اقتصادی و میانجی‌گران سیاسی ضروری تبدیل کرده‌اند. قدرت مالی و کالاهای پیچیده دیپلماتیک آنها تنها به‌طور خاص اسرائیل و فلسطین، بلکه در طیف وسیعی از نقاط حساس ژئوپلیتیک، از روسیه-اوکراین گرفته تا شبه‌قاره هند و در مذاکرات هسته‌ای جاری بین ایالات متحده و ایران، در حال شکل‌دهی به نایج است. فراتر از شبه‌جزیره عربستان، ورود مجدد سوریه که با دقت برنامه‌ریزی شده بود، صحنه دیگری را برای ترامپ فراهم کرد تا ادعای پیروزی دیپلماتیک کند. او در مجمع سرمایه‌گذاری ایالات متحده-عربستان در ریاض اعلام کرد: «پس از بحث در مورد وضعیت سوریه و با وایعده [محمد بن سلمان]... و همچنین با رئیس‌جمهور اردوغان در ترکیه... دستور توقف تحریم‌ها علیه سوریه را خواهم داد تا به آنها فرصتی برای بزرگی بدهم.» او برای ملت جنگ‌زده سوریه آرزوی «موفقیت» کرد و از آنها خواست «چیز بسیار ویژه‌ای نشان دهند». این سخنان با تشویق پرشور و تشویق ایستاده حضار روبه‌رو شد. این اقدام که به منجر به مستقیم‌تر ترامپ و احمدالشرع، رئیس‌جمهور سوریه، دیدار مشترک توسط الشرع در یک سخنرانی ملی بعدی مورد ستایش قرار گرفت و او این تصمیم را «تاریخی و شجاعانه» توصیف کرد. الشرع افزود که «این تصمیم رنج مردم سوریه را کاهش می‌دهد، به توله دوباره آنها کمک می‌کند و پایه‌های ثبات در منطقه را بنا می‌نهد.» برای ترامپ، تسهیل بازگشت سوریه به جهان عرب، هر چقدر هم که پیچیده باشد، روایتی از صلح‌سازی و اقدام قاطع ارائه می‌دهد. با این حال، تفسیر این تعامل گرنش به عنوان ناقوس مرگ اتحاد ایالات متحده و اسرائیل، یک سوءتعبیر خواهد بود. این همکاری استراتژیک بیش از حد ناپدیده شده و دهه‌ها حمایت دوحزی آن در همه تعهدات امنیتی قابل توجه به اسرائیل چنان در مه تنیده است که نمی‌توان آن را با یک برنامه‌ای کاری ریاست‌جمهوری از بین‌رین سفر وزارت امور خارجه ایالات متحده، در امتداد آوریل، بار دیگر تأکید کرد که «ایالات قاطع از این است. اسرائیل سنگ‌بنای سیاست خارجی آمریکا بوده است.» این حمایت به بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار کمک و یک تفاهنامه‌ای ۱۰ ساله تبدیل می‌شود که سالانه ۳۳/۳ میلیارد دلار بودجه‌ی نظامی خارجی و ۵۰۰ میلیون دلار را به برنامه‌های دفاع موشکی اسرائیل اختصاص می‌دهد. تعهد ایالات متحده به حفظ برتری کیفی نظامی اسرائیل همچنان سیاست رسمی است که در ازبانی‌ها و چارچوب‌های قانونی مانند قانون همکاری استراتژیک ایالات متحده و اسرائیل در سال ۲۰۱۴، گنجانده شده است. در واقع، محافل سیاسی بانفوذی مانند بنیاد ریتچ، نه طرفدار از بین بردن این رابطه، بلکه طرفدار تکامل آن به یک شراکت استراتژیک برابر و تا اواسط قرن هجستند. شراکتی که کمتر به کمک‌های یک‌جانبه متکی باشد و بیشتر بر «تقسیم‌بار» متمرکز باشد.



نقشه اسرائیلی برای دروزی‌ها

نتانیاهو از ضعف دولت مستقر در دمشق برای کنترل بر نواحی وسیعی درس

اسلامی در بسیاری از کشورهای عربی و مسلمان با هدف احیای خلافت که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۸ برپایه شده بود، فعالیت می کردند. پس از جنگ سال ۱۹۶۷، جنبش های اسلامی نوظهور بر دشمن نزدیک - یعنی نظام سیاسی فاسد ملی - تمرکز کردند و قصد داشتند آن را سرنگون کرده و یک نظام سیاسی مبتنی بر شریعت بر روی روپراهان آن بسانند. در این میان، احتمالاً القاعده تنها اسبق بوده است. اما به نماندن پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ علیه ایالات متحده قیام کرد. پس از آن، حمله عراق به کویت حمایت نکرد. او پیشهاد تشکیل یک ارتش اسلامی برای بیرون راندن عراقی ها و بازگرداندن استقلال کویت را داد. اما استقرار بیش از نیم میلیون سرباز آمریکایی در عربستان سعودی را توهینی به خلوص اسلامی شبه جزیره عربستان می دانست. «هیئت تحریر الشام» به معنای «سازمان آزادی سوریه بزرگ» است. این گروه هرگز اسرائیل یا منافع غرب را هدف قرار نداده است. در واقع، اسرائیل قبل از اخراج و محصور شدن این گروه در الدب در شمال غربی سوریه در سال ۲۰۱۶، محرومان این گروه را در جنوب غربی سوریه درمان می کرد. حتی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) هیچ علاقه ای به هدف قرار دادن اسرائیل نداشت و در عوض ترجیح می داد بر دولت سوریه و جنبش های اسلامی رقیب تمرکز کند.

▼ بحران هویت در سوریه

اگرچه هیئت تحریر الشام اکنون رهبری دولت مشرق را بر عهده دارد، اما «آزادسازی» شامات همچنان هدف نهایی الشرع و رفقایاش است. از نظر جغرافیایی و جمعیتی، سوریه و عراق یک واحد را تشکیل می دهند. آنها، از سپیده دم تاریخ متحد بودند تا اینکه بریتانیا و فرانسه با توافق سایکس-پیکو در سال ۱۹۱۶ منطقه را به مناطق نفوذ خود تقسیم کردند؛ به طوری که بریتانیا کنترل عراق، فلسطین و ماوراء اردن و فرانسه کنترل سوریه و لبنان را به دست گرفت. این تقسیم که توسط کنفرانس سان رمو در سال ۱۹۲۰ رسمیت یافت، خودسرانه و غیر منطقی بود و هدف آن از بین بردن امید ساکنان منطقه برای تشکیل یک دولت ملت مدرن بود.

اعراب در سوریه و عراق با این ترتیب مخالفت کردند. در سال ۱۹۱۹، فیصل بن حسین، رهبریت نمایندگی اعراب در کنفرانس صلح پاریس، پیمان ورسای را رد کرد و خواستار اجرای توصیه‌های کمسیون کینگ-کریین شد. این کمسیون که از سوی وودرو ویلسون، رئیس جمهور ایالات متحده، برای نظرسنجی از افکار عمومی محلی ایجاد شده بود، خواستار

حمایت کردند. استاندار سویدا درخواست‌های آنها برای صلح و رد خشونت را تأیید کرد.

به نظر می‌رسد اسرائیل با این فرض عمل می‌کند که تهجیزه - سوریه - که فوزیر دارایی اسرائیل چندروز قبل از بمباران دیر هنگام به عنوان یکی از اهداف این کشور ذکر کرده بود - اسرائیل را از دشمنانش محافظت می‌کند و به درگیری بیش از یک قرن با اعراب پایان می‌دهد. نتانیاهو همچنین نگران است که در نتیجه عدم اقدام، سرسروش سوریه را به ترکیه، متحد کلیدی رژیم جدید سوریه، واگذار کند، اما در عین حال می‌خواهد از درگیری مستقیم با آنکارا جلوگیری کند.

اسرائیل از ضعف رژیم سوریه و عدم کنترل آن بر مناطق وسیعی، از جمله سواحل تحت سلطه علوی‌ها، مناطق تحت کنترل ترکیه و کردها در شمال و مناطق بادینشین در جنوب شرقی، سوءاستفاده می‌کند. اسرائیل در جنوب سوریه فعالیت می‌کند زیرا این منطقه در حال حاضر برای دمشق اولویتی ندارد و اسرائیل را قادر می‌سازد در این منطقه واقعیت جدیدی را تحمیل کند. در نهایت، اسرائیل امیدوار است علوی‌ها و اسماعیلی‌ها و البته کردها، رابه تشکیل نهادهای خودبه عنوان بخشی از طرح نتانیاهو برای بازسازی منطقه تشویق کند. ارتباط دیرینه اسرائیل با جامعه دروزی، که به سال ۱۹۴۸ و آغاز تاسیس اسرائیل برمی‌گردد، از این تلاش پشتیبانی می‌کند. اسرائیل معتقد است که می‌تواند با کمک رهبران دروزی اسرائیل، با توجه به توافقی آنها در برقراری ارتباط مستقیم با دروزی‌ها در سوریه، به هویت جدیدی برای دروزی‌ها در سوریه پرورش دهد. اسرائیل با تأکید بر اتحاد خونین بین دولت یهود دروزی‌ها، به دنبال تثبیت حضور دائمی خود در جنوب سوریه است.

▼ اتهام تروریسم

فرصت اسرائیل برای مداخله مستقیم در سوریه بلافاصله پس از فروپاشی حکومت اسد در ماه دسامبر به دست آمد. نتانیاهو به عنوان بخشی از تلاش خود برای تضعیف دولت جدید در دمشق، بارها احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه را به رهبری سازمان‌های تروریستی که مصمم به نابودی اسرائیل هستند، متهم کرده است. اما اگرچه گروه سابق الشرع، با عنوان هیئت تحریر الشام، یک جنبش جهادی است، اما همانطور که اسرائیل به خوبی می‌داند، هدفش فراملی نیست.

جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ نقطه عطفی در جهت‌گیری ایدئولوژیک جهادگرایی اسلامی بود. پیش از این جنگ، جنبش‌های فراملی مانند اخوان المسلمین و حزب آزادی

«هیئت تحریر الشام»
به معنای «سازمان
آزادی سوریه بزرگ»
است. این گروه هرگز
اسرائیل یا منافع
غرب را هدف قرار
نداده است. در
واقع، اسرائیل قبل
از اخراج و محصور
شدن این گروه در
ادلب در شمال
غربی سوریه در سال
۲۰۱۶، مجروحان

جنوب غربی سوریه
درمان می کرد. حتی
دولت اسلامی عراق
و شام (داعش) هیچ
علاقه ای به هدف قرار
دادن اسرائیل نداشت
و در عوض ترجیح
می داد بر دولت
سوریه و جنبش های
اسلامی رقیب تمرکز
کند



هلال خشان

از زمان سقوط حکومت بشار اسد در دسامبر گذشته، اسرائیل بیش از ۵۰۰ حمله هوایی به سوریه انجام داده تا از رسیدن سلاح‌های رژیم سابق به مقامات جدید سوریه که آنها را جهادی می‌نامد، جلوگیری کند. اسرائیل همچنین کنترل منطقه غیرنظامی در ارتفاعات جولان سوریه، از جمله قله الاستراتیک کوه هرمن را به دست گرفته است. در جنوب سوریه، نیروهای اسرائیلی تا ۲۰ کیلومتری (۱۲/۵ مایل) پایگاه هوایی متروکه المزه، در جنوب شرقی بخش قدیمی دمشق، پیشروی کرده‌اند. ارتش اسرائیل اعلام کرد که در جنوب سوریه مستقر شده است تا از ورود نیروهای متخاصم به مناطق اقلیت دروزی جلوگیری کند. اسرائیل کاتر، وزیر دفاع اسرائیل، بیشتر از دو ماه پیش تهدید کرد که اگر دولت جدید سوریه به دروزی‌ها که ۲ درصد از جمعیت سوریه که مدخله نیمی از آن‌ها شهروندان اسرائیل نیز هستند، آسیب برساند، محاصره نظامی خواهد کرد.

این تعهد در پایان ماه آوریل، زمانی که درگیری‌های فرقه‌ای در حومه دمشق پس از انتشار یک فایل صوتی منسوب به یک مرد دروزی در اینترنت که شامل توهین به پیامبر اسلام بود، آغاز شد، به بوته آزمایش گذاشته شد. اسرائیل با آنچه مقامات آن را حملات احتیاطی علیه نیروهای امنیتی دولت در شهری عمدتاً دروزی در حومه پایتخت توصیف کردند، پاسخ داد. کمی بعد، خشونت فرقه‌ای، با بیش از ۱۰۰ کشته در دوزوز، تا حد زیادی پایان یافت. با این وجود، دوزوز بعد، هوپامهای جنگی اسرائیل حملات هوایی گسترده‌ای را علیه اهداف نظامی سوریه، از جمله منطقه‌ای در مجاورت کاخ ریاست جمهوری در دمشق، انجام دادند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با اعلام این حملات، تعهد خود را برای محافظت از جامعه دروزی تکرار کرد. به نظر می‌رسد ادعای اسرائیل برای دفاع از دروزی‌ها، دستور کار عمیق‌تری را با هدف ترسیم مجدد نقشه سوریه، که بخشی از وعده نتانیاهو در ۸ اکتبر ۲۰۲۳ برای تغییر خاورمیانه است، نشان می‌دهد. هجعتی قبل از بمباران اخیر اسرائیل، مقامات مذهبی دروزی و جناح‌های نظامی، جدایی‌طلبی را رد کرده و تأیید کردند که آنها بخش جدایی‌ناپذیر سوریه هستند. آنها همچنین از فعال شدن وزارت کشور و پلیس قضایی توسط دولت در استان سویدا، مقر جامعه دروزی، برای تضمین امنیت و ثبات